پیـــام­های آسمــانی

(جزء دوازدهم، برگرفته از تفسیر نور)

|  |  |  |
| --- | --- | --- |
| **1** | **إِلَّا الَّذِينَ صَبَرُواْ وَ عَمِلُواْ الصَّالِحَاتِ أُوْلَئكَ لَهُم مَّغْفِرَةٌ وَ أَجْرٌ كَبِير**  مگر كسانى كه شكيبايى ورزيدند و كارهاى نيكو كردند، كه آمرزش و مزد بزرگ از آن آنهاست.  صبر در برابر حوادثِ تلخ و شيرين زندگى، از بهترين مصاديق عمل صالح است. «صَبَرُوا وَ عَمِلُوا الصَّالِحاتِ» | هود، 11 |
| **2** | **وَ اصْنَعِ الْفُلْكَ بِأَعْيُنِنَا وَ وَحْيِنَا وَ لَا تُخاطِبْنِى فِى الَّذِينَ ظَلَمُواْ إِنَّهُم مُّغْرَقُونَ**  كشتى را زير نظر و الهام ما بساز و در باره اين ستمكاران با من سخن مگوى، كه همه غرقه‏اند.  براى اولياى خدا كار كردن عار نيست. «وَ اصْنَعِ الْفُلْكَ» | هود، 37 |
| **3** | **وَ قَالَ ارْكَبُواْ فِيهَا بِسْمِ اللَّهِ مجَرئهَا وَ مُرْسَئهَا إِنَّ رَبِّى لَغَفُورٌ رَّحِيم**  گفت: بر آن سوار شويد، كه به نام خدا به راه افتد و به نام خدا بايستد. زيرا پروردگار من، آمرزنده و مهربان است.  شروع هر كار با نام خداوند، رمز توكّل و استمداد و رنگ الهى دادن به آن كار است. «ارْكَبُوا فِيها بِسْمِ اللَّهِ»  حركت و توقّف، هر دو بايد با استمداد از خدا باشد. «بِسْمِ اللَّهِ مَجْراها وَ مُرْساها» | هود، 41 |
| **4** | **قَالَ إِنّى أُشهِدُ اللَّهَ وَ اشهَدُواْ أَنّى‏ِ بَرِى‏ءٌ مِّمَّا تُشْرِكُونَ مِن دُونِهِ فَكِيدُونِى جَمِيعًا ثُمَّ لَا تُنظِرُونِ**  گفت: «من خدا را گواه مى‏گيرم، و شاهد باشيد كه من از آنچه جز او شريك وى مى‏گيريد بيزارم. همگى به حيله‏گرى بر ضد من برخيزيد و مرا مهلت مدهيد.  در برابر خرافات بايد قاطعانه ايستاد. «أَنِّي بَرِي‏ءٌ مِمَّا تُشْرِكُونَ» | هود، 54 و 55 |
| **5** | **وَ لَقَدْ جَاءَتْ رُسُلُنَا إِبْرَاهِيمَ بِالْبُشْرَى‏ قَالُواْ سَلَامًا قَالَ سَلَامٌ فَمَا لَبِثَ أَن جَاءَ بِعِجْلٍ حَنِيذٍ**  به تحقيق رسولان ما براى ابراهيم مژده آوردند. گفتند: سلام. گفت: سلام. و لحظه‏اى بعد گوساله‏اى بريان حاضر آورد.  سخن را بايد با سلام آغاز كرد. «قالُوا سَلاماً»  سلام را به نحو بهتر بايد جواب داد. (جمله‏ى «سَلامٌ» جمله‏ى اسميّه است كه دوام و ثبوت آن از جمله‏ى فعليّه‏ى «قالُوا سَلاماً» بيشتر است) | هود، 69 |
| **6** | **بَقِيَّتُ اللَّهِ خَيْرٌ لَّكُمْ إِن كُنتُم مُّؤْمِنِينَ وَ مَا أَنَا عَلَيْكُم بحَفِيظٍ**  اگر ايمان آورده‏ايد، آنچه خدا باقى مى‏گذارد برايتان بهتر است. و من نگهبان شما نيستم.  رزق اندك ولى حلال و پاك، بهتر از درآمدهاى بسيار، امّا حرام است. «بَقِيَّتُ اللَّهِ خَيْرٌ» | هود، 86 |
| **7** | **ذَالِكَ مِنْ أَنبَاءِ الْقُرَى‏ نَقُصُّهُ عَلَيْكَ مِنْهَا قَائمٌ وَ حَصِيدٌ**  اينها اخبار قريه‏هايى است كه براى تو حكايت مى‏كنيم قريه‏هايى كه بعضى هنوز برپايند و بعضى ويران.  داستان‏هاى قرآنى، صادق‏ترين و صحيح‏ترين قصه‏هاست، زيرا گوينده‏ى آن­ها خداست. «نَقُصُّهُ» | هود، 100 |
| **8** | **قَالَ يَابُنَىَّ ‏لَا تَقْصُصْ رُءْيَاكَ عَلَى إِخْوَتِكَ فَيَكِيدُواْ لَكَ كَيْدًا إِنَّ الشَّيْطَانَ لِلْإنسَانِ عَدُوٌّ مُّبِين**  گفت: اى پسر كوچكم، خوابت را براى برادرانت حكايت مكن، كه تو را حيله‏اى مى‏انديشند. زيرا شيطان آدميان را دشمنى آشكار است.  فرزندان را با مهربانى مورد خطاب قرار دهيد. «يا بُنَيَّ» | یوسف، 5 |
| **9** | **أَرْسِلْهُ مَعَنَا غَدًا يَرْتَعْ وَ يَلْعَبْ وَ إِنَّا لَهُ لَحَافِظُون**  فردا او را با ما بفرست تا بگردد و بازى كند و ما نگهدارش هستيم.  تفريح فرزند بايد با اجازه‏ى پدر باشد. «أَرْسِلْهُ»  جوان، نيازمند تفريح و ورزش است. «يَرْتَعْ وَ يَلْعَبْ» | یوسف، 12 |
| **10** | **وَ جَاءُو أَبَاهُمْ عِشَاءً يَبْكُونَ**  شب‏هنگام، گريان نزد پدرشان بازآمدند.  گريه، هميشه نشانه‏ى صداقت نيست. به هر گريه‏اى اطمينان نكنيد. «يَبْكُونَ» | یوسف، 16 |

سـوال: صــادق تـرین قصـــه ها کـدامند و چــرا؟